

میسون جشنواره تئاتر سورهمه

● نشریه روزانه جشنواره تئاتر سورهمه ماه ● مهر ۱۳۹۳ ● شماره پنجم ●



خاطره عکس در قاب تئاتر

نمایش «این عکس که می ماند» روایت عکاسی شیدا است به نام «بهزاد» که با دیدن یک عکس از جنگ ایران و عراق، تحصیل رشته ریاضی را در فرانسه رها می کند و به جبهه های جنگ می رود تا عکاسی کند، او شیدا است...

۸

۱۲

در جست و جوی
قطره ای آب



۱۱

فرصتی برای حرفه ای
شدن جوانان با انگیزه



۶

علم؛ پشتوانه تئاتر
خلاق و معناگرا



۲ جشنواره تئاتر سورهمه ماه به کار خود پایان داد
«ماه» کامل شد



۴ «آقای قاضی صدایم را می شنوید؟»
صدای خاموش



۳ تا ماهی دیگر
معرفی برگزیدگان جشنواره



بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه به کار خود پایان داد

«ماه» کامل شد

هدیه حدادی

آیین اختتامیه بیست و سومین جشنواره سراسری سوره ماه شامگاه دوشنبه؛ بیست و هشتم مهر ماه با حضور جمعی از پیشکسوتان تئاتر کشور و اصحاب رسانه و علاقه مندان به تئاتر در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد.

در ابتدای این مراسم رحمت امینی؛ دبیر هنری بیست و سومین جشنواره تئاتر سراسری سوره ماه با حضور بر روی سن دقایقی را به سخنرانی پرداخت و گفت: قرارمان بر این بود که در اختتامیه سخنرانی نداشته باشیم و من نیز سخنرانی نکنم اما خود را موظف می دانم که به دو نکته اشاره کنم و چند تشکر از همکارانم داشته باشم. البته بیشترین تشکر را از هنرمندانی دارم که به فراخوان ما پاسخ داده و در این جشنواره شرکت کردند.

وی با اشاره به برگزاری باشکوه این دوره از جشنواره ادامه داد: با امید و در انتظار شکوهمندی دوره های دیگر به کار خود ادامه می دهیم. لذا ایده آل ما نقطه بزرگی است که چندان با آن فاصله ای نداریم. تولید در راستای اهداف حوزه هنری هدف غایی این جشنواره است و حوزه هنری در رشته تئاتر به عنوان هنری که در آن ارزش های اسلامی اهمیت دارد، کام برمی دارد.

دبیر هنری جشنواره افزود: امسال این توفیق را داشتیم که بعد از یک دهه تئاتر بچه های مسجد و تئاتر خیابانی را احیا کردیم و همچنین بخش تجربه های جوان را با کیفیتی بهتر ارائه کنیم.

امینی در پایان گفت: استاد عزت الله انتظامی چشم و چراغ این جشنواره است امشب در این سالن حضور داشت و قرار بود من از او دعوت کنم تا سخنانی کوتاه را برای حضار داشته باشد اما وی لحظاتی پیش به علت کسالتی که دارد سالن را ترک کرد.

در ادامه این برنامه بزرگداشتی برای محمدرضا آزاد، سعید تشکری و صادق عاشورپور برگزار شد و از این سه نفر تقدیر به عمل آمد که محمدرضا آزاد طی سخنانی بیان کرد: حضور در این جلسات

افتخار بزرگی است زیرا کسی مثل من دیده می شود و به چشم می آید. من از حوزه هنری تشکر می کنم که در سایه کسانی چون حسین پارسایی، حسین فدایی حسین و کوروش زارعی بنده دیده و تقدیر شدم اما نمی دانم چرا دلم می خواهد برای خودم گریه کنم.

وی در خصوص آشنایی با حوزه هنری توضیح داد: در سال ۱۳۶۲ به واسطه عصر سوره با حوزه هنری آشنا شدم و در سال ۶۸ با همکارانم تئاتر بچه های مسجد را پایه گذاری کردیم و اگر امروز بر روی این صحنه هستم ثمره حضور و فعالیتیم در حوزه هنری است.

آزاد بیان کرد: طراوت جشنواره به حضور هنرمندان جوان است و حوزه هنری به این طراوت باید توجه بیشتری نشان دهد و به جای تاکید بر روی تولید بالا، بر روی هنرمند بالا تاکید کند. باید این هنرمندان جوان را طوری پرورش دهیم و رصد کنیم ۲۵ سال دیگر همین هنرمندان جوان بر روی این صحنه تقدیر شوند.

برگزیدگان جشنواره

آراء هیات داوران بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه به شرح ذیل است:

بخش تجربه های جوان

الف: موسیقی

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای موسیقی نمایش "گلزخم" از استان همدان به خانم سمیه حیدری به دلیل انتخاب کاربردی صحیح موسیقی در نمایش

ب: طراحی صحنه

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای طراحی صحنه نمایش "سوفیای من" از استان یزد به آقای محمدرضا بهرامی

ج: نمایشنامه نویسی

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای نمایشنامه "گلزخم" از استان همدان به آقای سید صادق فاضلی

د: بازیگری زن

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "سوفیای من" از استان یزد به خانم الناز لطیف

ه: بازیگری مرد

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "بچه های خاکستری" از استان بوشهر به آقای علی نبی پور

و: کارگردانی

رتبه تقدیری: لوح تقدیر و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "سوفیای من" از استان

یزد به آقای زمان ارکمان

رتبه های برتر بخش تجربه های جوان

الف: موسیقی

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای موسیقی نمایش "سوفیای من" از استان یزد به آقای حسین افروز

ب: طراحی صحنه

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای طراحی صحنه نمایش "بچه های خاکستری" از استان بوشهر به آقای حسین اسدی

ج: نمایشنامه نویسی

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای نمایشنامه "بچه های خاکستری" از استان بوشهر به آقای امید نیاز

د: بازیگری زن

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "گلزخم" از استان همدان به خانم فروزان حسینی

ه: بازیگری مرد

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "بچه های خاکستری" از استان بوشهر به آقای علی سنابیری

و: کارگردانی

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "بچه های خاکستری" از استان بوشهر به خانم الهام چنانی

بخش اصلی

الف: موسیقی

رتبه سوم: لوح تقدیر و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای موسیقی نمایش "آی" از استان تهران به آقای حامد حبیب زاده

ب: طراحی صحنه

رتبه سوم: لوح تقدیر و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای طراحی صحنه نمایش "این عکس که می ماند" از استان قزوین به آقای مرتضی نجفی

ج: نمایشنامه نویسی

رتبه سوم: لوح تقدیر و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای نمایشنامه "کافه سایه" از استان اردبیل به آقای ابراهیم عادل نیا

د: بازیگری زن

رتبه سوم: لوح تقدیر و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "کافه سایه" از استان اردبیل به خانم بهار دالوند

ه: بازیگری مرد

رحمت امینی: امسال این توفیق را داشتیم که بعد از یک دهه تئاتر بچه های مسجد و تئاتر خیابانی را احیا کردیم و همچنین بخش تجربه های جوان را با کیفیتی بهتر ارائه کنیم. استاد عزت الله انتظامی چشم و چراغ این جشنواره است امشب در این سالن حضور داشت و قرار بود من از او دعوت کنم تا سخنانی کوتاه را برای حضار داشته باشد اما وی لحظاتی پیش به علت کسالتی که دارد سالن را ترک کرد.

“



سپاوش طهمورث پس از اهدای جوایز نفرات برتر بخش اصلی این جشنواره در سخنان کوتاهی بیان کرد: اگر حرف نزنم می میرم یا در بهترین حالت امشب نمی توان بخوابیم. دو نکته را باید بگویم اول اینکه شما هنرمندان باید ثابت کنید که وجود دارید و دیگران بفهمند که شما وجود دارید. وی در بیان نکته دوم گفت: من تصور می کنم که یکی دو نسل دیگر کت و شلوار فراموش شود، عزیزان من! درست مثل این می ماند که خانمی بخواند نماز خود را با روسری یا بدون روسری بخواند، نخیر! چادر نماز برای نماز خواندن لازم است.

گفتگو با کارگردان نمایش «خواب رنگی»

قصه‌ای اجتماعی باروایتی فانتزی

نمایش «خواب رنگی» به کارگردانی فرامرز قلیچ خانی نمایشی اجتماعی است که در فضایی مدرن و فانتزی روایت می‌شود. این نمایش حاصل کاری کارگاهی و گروهی است و تمام عوامل نمایش در طرح ایده و نگارش نمایشنامه نیز دخیل بوده‌اند. «خواب رنگی» در بخش خیابانی جشنواره سور ماه به اجرا در خواهد آمد.

لطفاً درباره مضمون و حال و هوای کلی نمایش تان «خواب رنگی» برایمان بگویید.

نمایش «خواب رنگی» نمایشی دونفره است. یک شخصیت اصلی و ثابت داریم که قصه زندگی وی را در طول نمایش و از ساعت هشت صبح تا هشت شب شاهد هستیم و اتفاقاتی که پیرامون این فرد در جامعه و بر خوردش با مردم وجود دارد را طول نمایش می‌بینیم و کاراکتر دوم هم به نوعی تمام اتفاقاتی را که برای فرد اول می‌افتد را بازسازی می‌کند. این کاراکتر نقش‌های مختلفی را بازی می‌کند و تیپ‌های مختلفی از وی می‌بینیم. مثلاً در جایی نقش همسایه را بازی می‌کند در جایی کارمند بانک است و در بخشی راننده تاکسی می‌شود...

با توجه به حرف‌ها بتان مشخص است نمایش «خواب رنگی» از فضایی مدرن و فانتزی برخوردار است.

بله این نمایش فضایی کاملاً فانتزی دارد. البته ما با این نمایش واقعبندانه‌های جامعه را نشان می‌دهیم اما شکل روایی این قصه و نمایش حال و هوای فانتزی دارد. همین که در این نمایش شاهد قالب عوض کردن یک کاراکتر هستیم و وی را در تیپ‌های مختلف و نقش‌های متفاوت می‌بینیم فضای کار از حالت رئال خارج می‌شود اما همان طور که اشاره کردم قصه و ماجرای کلی رئال و از واقعبندانه‌های جامعه الهام گرفته شده است.

نمایش «خواب رنگی» پیش از این هم در جشنواره‌های تئاتری اجرا داشته است؟

بله این نمایش در جشنواره‌های جوانان اجرا داشته است و به جشنواره تئاتر فجر نیز راه پیدا کرده است ولی نمایشی که اکنون آماده اجرا شده است با اجراهای قبلی متفاوت است و چون برای حوزه هنری و جشنواره سور ماه اجرا خواهد شد تغییراتی در راستای سیاست‌های فرهنگی حوزه در نمایش به وجود آمده است. ضمن این که تصمیم داشتیم نمایش را به روز تر کنیم چون حال و هوای این نمایش اجتماعی است و با هر اجرا می‌توان نکات جدیدی را به آن اضافه کرد که شامل مسایل روز باشد. نمایش اولیه سه سال قبل اجرا شده است و از سه سال پیش تا به حال خیلی از مسایل در جامعه تغییر کرده است و باید در داستان نمایش نیز این تغییرات لحاظ شده و به اصطلاح به روز می‌شد.

ظاهر نمایش «خواب رنگی» کاری کارگاهی و کاملاً گروهی است و تمامی اعضا در نگارش و کارگردانی نیز مشارکت داشته‌اند.

بله همین‌طور است. من در تمامی کارهایم به همین شکل و به شیوه کارگاهی کار می‌کنم. در این نمایش نیز سعی کردیم به اتفاق دوستان متن را آماده کرده و مرحله اجرا برسانیم. حتی نوازنده این نمایش را نیز در ارائه ایده و نظر و نگارش نمایشنامه سهیم کرده‌ام.

نمایش «خواب رنگی» پیش از این نیز در جشنواره‌های دیگر حضور داشته؛ آیا حضور در جشنواره سور ماه با سایر جشنواره‌هایی که در آن‌ها حضور داشته‌اید تفاوتی دارد؟

مهم‌ترین تفاوت غیر رقابتی بودن نمایش‌های خیابانی در جشنواره سور ماه است. این موضوع باعث می‌شود کارها با فراغ بال و آرامش اجرا شوند و اینکه در نهایت تصمیم گیرنده مخاطبان هستند و نکته اصلی برای مان ارتباط برقرار کردن با تماشاگران است که بسیار لذت بخش است. در این جشنواره نگران مسابقه و جایزه و نظر داوران نیستیم و صرفاً به این فکر می‌کنیم که نظر مخاطبان را جلب کنیم.



رتبه سوم؛ لوح تقدیر و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "کافه سایه" از استان اردبیل به آقای مجید واحدی زاده

و: کارگردانی

رتبه سوم؛ لوح تقدیر و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "آقای قاضی صدایم را می‌شنوید؟" از استان هرمزگان به آقای حسن سبحانی

ج: نمایشنامه نویسی

رتبه اول؛ لوح تقدیر و مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای نمایشنامه "عبور از مه" از استان گیلان به آقای مجید کاظم زاده مزدهی

د: بازیگری زن

رتبه اول؛ لوح تقدیر و مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "چرا" از استان لرستان به خانم شیما ملکیان

ه: بازیگری مرد

رتبه اول؛ لوح تقدیر و مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "عبور از مه" از استان گیلان به آقای محمد رسائی

و: کارگردانی

رتبه اول؛ لوح تقدیر و مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "چرا" از استان لرستان به آقای احسان ملکی

تقدیر: لوح تقدیر برای کارگردانی نمایش "سرگذشت درگذشت چشم" از استان سیستان و بلوچستان به آقای عباسعلی کبخایی

نمایش‌های برگزیده:

"عبور از مه" به کارگردانی مجید کاظم زاده از استان گیلان
"چرا" به کارگردانی احسان ملکی از استان لرستان
"کافه سایه" به کارگردانی مجید واحدی زاده از استان اردبیل
"آقای قاضی صدایم را می‌شنوید؟" به کارگردانی حسن سبحانی از استان هرمزگان
"بچه‌های خاکستری" به کارگردانی الهام چنایی از استان بوشهر
به دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر معرفی می‌شوند.



رتبه سوم؛ لوح تقدیر و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "کافه سایه" از استان اردبیل به آقای مجید واحدی زاده

و: کارگردانی

رتبه سوم؛ لوح تقدیر و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "آقای قاضی صدایم را می‌شنوید؟" از استان هرمزگان به آقای حسن سبحانی

رتبه‌های دوم بخش اصلی

الف: موسیقی

لوح تقدیر و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای موسیقی نمایش "چرا" از استان لرستان به آقای عباس محمدی

ب: طراحی صحنه

لوح تقدیر و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای طراحی صحنه نمایش "آقای قاضی صدایم را می‌شنوید؟" از استان هرمزگان به آقای حسن سبحانی مینایی

ج: نمایشنامه نویسی

لوح تقدیر و مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای نمایشنامه "چرا" از استان لرستان به آقای ناصر حبیبیان

د: بازیگری زن

لوح تقدیر و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "چرا" از استان لرستان به خانم مریم طاهری

ه: بازیگری مرد

لوح تقدیر و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای بازی در نمایش "سرگذشت درگذشت چشم" از استان سیستان و بلوچستان به آقای سعید بادینی

و: کارگردانی

لوح تقدیر و مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه نقدی برای کارگردانی نمایش "کافه سایه" از استان اردبیل به آقای مجید واحدی زاده

رتبه‌های اول بخش اصلی

الف: موسیقی

نگاهی به نمایش «آقای قاضی صدایم را شنوید؟»

آقای قاضی صدای خودم را می شنوم!

امیر اردلان

این نمایش که به صورت تک نفره (تک بازیگر) اجرا می شود، درست از زمانی وارد فضای غیر واقعی می شود که نقش اصلی بعد از جنگ خودش را به دادگاه معرفی می کند و از خودش شکایت می کند که باعث شده است تا مادر و همسرش کشته شوند و به نوعی با قیاس درون خود از تمامی نیروهایی که باعث این جنگ شده اند شکایت می کند و در قالب این «من» و «شکایت از خود» به نوعی مظلومیت اش را به اثبات می رساند. این نمایش برای روایت خود از تکنیک فلاش بک بهره برده است که باعث می شود روایتی ملموس و باورپذیری را از داستانی خطی داشته باشد. در طراحی لباس این نمایش از لباس های عربی، جنوبی (دشداشه) که متناسب با فضای جنوب است، تناسبی که در نورپردازی با چراق قوه و نور مرکزی نیز صورت گرفته بود و نور زرد که نماد جنوب و گرما است، نقش کلیدی داشت. در کنار تمامی این نکات مثبت که به نوعی در خدمت اثر بوده اند استفاده از دستبند هایی قرمز که نماد خون هستند و نقش اصلی بعد از مرگ هر کدام از عزیزانش به آن دست بند ها نگاه می کند، همه و همه عناصری هستند که به هیچ وجه زائد نیستند و توانسته اند باعث قوام و اعتلای اثر بشوند.

این نمایش روایتی موزیکال از داستان جوانی است که در ابتدای جنگ به خواستگاری دختری می رود و می خواهد که با او ازدواج کند بعد از این که بسیاری از مشکلات برای رسیدن به آن دختر را پشت سر می گذارد و با او ازدواج می کند، درست در روز از دوازش جنگ در خرمشهر اتفاق می افتد او که بسیار به دختر عشق می ورزد و همچنین از مادرش می خواهد که آنها از خرمشهر خارج شوند و به آبادان نزدیکی از بستگانشان کوچ کنند.

صحنه این نمایش تشکیل شده از دو چهارپایه و سه درخت فلزی و دو تپه خاک بود که بازیگر اول در پایان با ریختن خون در آن ها به طور نمادین می گوید زمین تشنه است و این خود آغاز روایت های مرد در دادگاه فرضی است که خود آن را بنا نهاده و از خودش شکایت می کند. متن شکلی رمانتیکسیمی پنهان به خود می گیرد و گاهی این فضا به دلیل طراحی یک دادگاه فرضی، شکل سورئال و غیر واقعی. هیچ اشکالی ندارد در تئاتر مدرن امروز، یک کارگردان با استفاده از یک یا چند تکنیک نمایشی و روایتی دست به تولید اثر خود و پیکربندی متن نمایشی بزند و روایت های مختلف خود را متاثر از سبک های مختلف هنری چیدمان کند، اما سوئیچ کردن بین این ها، مقتضی با فضای روایی و احساسی نمایش باید سنجیده شود و به مرحله عمل گذاشته شود. بسیاری از آثار تئاتر جهان و حتی در جریان تئاتر ایران اقدام به چنین عملی می کنند که در بسیاری از مواقع باعث درخشان شدن و بالا رفتن سطحی کمی و کیفی اثر نمایشی می شود اما نمایش «آقای قاضی صدایم را می شنوید؟» با انتخاب یک فضای غیر واقعی برای اتفاقات نمایش و تمرکز رمانتیکسیمی به فضای بازی تک بازیگر اثر، گاهی دچار سردرگمی در این سوئیچ این دو به هم می شود. قضیه فرضی بودن دادگاه بسیار خوب است و نویسنده متن نمایشی با تشکیل این فضای غیر واقعی با بهره گیری از عناصری که می تواند در یک دادگاه واقعی وجود داشته باشد، به نوعی بستر روایت را فراهم می کند تا در قالب یک شکایت خود خوانسته و از خود، که امری غیر معمول در جهان عادی و جریان زندگی است، به نوعی علاوه بر گوشزد و زنگ خطر به انسان ها، توجه مخاطبان را به پیام های اصلی اثر، که دور شدن و فاصله گیری از خشونت و به ارمان آوردن هدیه الهی صلح برای تمامی مردم جهان است، برای همگان بازگو کند و به گوش جامعه برساند. خوب می دانیم که در شرایط امروز بحران های خاورمیانه و ظهور گروه های تندرویی که جز خشونت نمی شناسند و روزی هزاران نمایش واقعی، وحشتناک و خون بار مانند اتفاق داخل نمایش «آقای قاضی صدایم را می شنوید؟» برای مردم دنیا به نمایش در می آورند، وجود و تولید چنین آثاری بدون شک نیاز اساسی و فوری برای تمام مردم جهان است. زمانی که در راه کوچ مادر و عروس جوان هر دو کشته می شوند و این باعث عذاب وجدان این جوان می شود، هر مخاطبی می تواند با اندکی همزاد پنداری و تطبیق این شرایط با وضعیت کنونی جهان به خصوص خاورمیانه، در کی نسبتا آگاهانه و درست از شرایط درک کند و بتواند حداقل در ذهن خود واقعیت ها را موشکافانه بررسی کند.





هر آنچه که در جشنواره بیست و سوم اتفاق افتاد

کارنامه موفق روابط عمومی حوزه هنری در امور تبلیغات

سجاد صداقت

اینک سوره بیست و سوم در گستره فرهنگ و هنر این سرزمین، چون ماه درخشان جلوه‌گر شده است. فرزندان هنرمند این مرز و بوم، از شمال تا جنوب و شرق تا غرب میهن اسلامیمان گرد هم آمده‌اند تا حاصل روزها و ماه‌ها تلاش خود را آثار دیدگان مشتاق مخاطبان خود کنند و نمایشی پر فروغ از توانمندی‌های خود را در ارائه مضامین و مفاهیم ارزشمند در قالب هنرهای نمایشی داشته باشند. آفرینشگر بی‌همتایر ایشاکریم که بار دیگر به ما این فرصت را عطا نمود تا حضور تک تک هنرمندان تئاتر مراکز حوزه هنری در سراسر کشور را در این همایش با شکوه پایش پداریم که همچون همیشه در برابر سختی‌ها و دشواری‌های مسیر آفرینشگری تئاتر با ذکر یا علی (ع) عاشقانه آغاز کردند و تلاش خود را به فرجام رساندند.

این جملات متن پیام رحمت امینی دبیر هنری بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه و مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری است. پیامی که بازگوکننده آغاز یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های این نهاد انقلاب اسلامی است. بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه با شعار «عنویت، اندیشه، هنر» از روز ۲۲ مهر ۱۳۹۳ در ۵ سالن و محوطه حوزه هنری آغاز به کار کرد و روز ۲۸ مهرماه نیز به کار خود پایان داد.

بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه با موضوعات «ارزش‌های دینی»، «انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»، «خانواده الگوی ایرانی»، «ادبیات کهن اسلامی و ایرانی» و «چشم انداز ایران ۱۴۰۴» و نمایشنامه‌هایی بر اساس خاطرات چاپ شده روزمندگان، جانبازان و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس، فراخوان خود را منتشر کرده بود.

بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه کار خود را با اجرای ۳۳ نمایش در ۵ بخش اصلی، تجربه‌های جوان، بچه‌های مسجد، خیابانی و مهمان آغاز کرد و تالارهای اندیشه و سوره و نیز تماشاخانه‌های مهر و ماه و همچنین خانه نمایش اداره تئاتر، میزبان نمایش‌های صحنه‌ای جشنواره بودند. همچنین در بخش جنبی نیز ۵ کارگاه آموزشی با حضور اساتیدی چون دکتر سعید اسدی، دکتر مهرداد رایانی مخصوص، دکتر محمدحسین ناصر بخت، پیام فروتن و آرزو افشار برگزار شد.

ایرج راه، سعید اسدی و مهرداد رایانی مخصوص داوران بخش اصلی و محمدرضا آزاد، کیوان صباغ و فرهاد ارشاد به عنوان داوران بخش تجربه‌های جوان بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه معرفی شده بودند. یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره از جشنواره حضور تئاترهای خیابانی بود. گرچه در فراخوان بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه جایی برای تئاتر خیابانی در نظر گرفته نشده بود اما با این حال ۶ نمایش تئاتر خیابانی به عنوان مهمان به جشنواره دعوت شدند تا به نوعی نمونه‌های الگوهای مورد تایید مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری - به لحاظ کیفیت و ساختار - معرفی شوند. جشنواره تئاتر سوره ماه در دوره‌های اخیر روندی را با مشورت جمعی از دانشگاهیان و

نمایشی از این دفتر در جدول جشنواره گنجانده شده بود. این دفتر در ادامه فعالیت‌هایش قصد دارد با حمایت از استعدادهای جوانی که مامنی برای اجرای آثار خود ندارند، مسیر رشد و پیشرفت آن‌ها را فراهم سازد. در این دوره مانند دورهای گذشته، در روزهای قبل و در خلال جشنواره با استفاده از کارشناسان و اساتید حرفه‌ای تئاتر، نشست‌های تخصصی و کارگاه آموزشی برگزار شد.

طراحی بخش تجربه‌های جوان بر اساس سن و سال شرکت‌کنندگان در جشنواره بود، حوزه هنری از دیرباز و تاکنون بر لزوم حمایت از جوانان تاکید ویژه‌ای دارد و در کنار ایجاد فضا برای افراد حرفه‌ای، گاهی بلندمدت برای تربیت نسل آینده نیز دارد. حوزه هنری مانند نهاد دیگری تعاریف و اهداف خاص خود را دارد، مهم‌ترین هدف این نهاد شناسایی، پرورش و حمایت از افرادی است که منطبق با اهداف موضوعی حوزه هنری گام برمی‌دارند، اگر در داخل به سطح عالی این هدف گذاری‌ها محقق گردد، بدون شک این جشنواره به سمت امور بین‌الملل خواهد رفت که این امر مستلزم تقویت نیروهای داخل و بودجه‌های مختص به این امور است.

اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که جزو شورای عالی مشورت در امور تئاتر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری هستند، در پیش‌گرفته که فعالیت‌های بر پایه «جشنواره تولیدمحور» است و به طور مشخص بر این نکته تاکید دارد که اگر جشنواره‌ای طراحی و تولید می‌شود منتخب اجراهای عمومی و تولیدات حوزه هنری در سراسر کشور است. در این حالت ابتدا یک اثر نمایشی اجرای عموم می‌شود و پس از جشنواره منطقه‌ای به جشنواره اصلی تئاتر سوره ماه می‌رسد.

مضامین نمایش‌های تولیدی در این جشنواره نیز نکته مهم دیگر است. در مسیر تولیدات آثار نمایشی، همواره محورهای حوزه هنری مدنظر قرار داشته و بر این اساس تئاتر دینی، انقلابی، دفاع مقدس و نوعی تئاتر اجتماعی مبتنی بر سبک زندگی خانواده تولید شده است. اما جشنواره در طول دوره‌های آخر برگزاری تنها به دنبال تئاتری نبوده که فقط محتوای متناسب با اهداف حوزه هنری داشته باشد بلکه به دنبال فرم‌ها و شیوه‌های هنری نیز بوده است. از دیگر برنامه‌هایی که در جشنواره امسال به آن پرداخته شد، دفتر تئاتر بچه‌های مسجد است و دواثر

در مدت پنج روز برگزاری این جشنواره، به همت روابط عمومی حوزه هنری پنج بولتن روزانه هم منتشر شد. همچنین علاوه بر بخش تیزرهای تلویزیونی، ۱۰ ویژه‌نامه این جشنواره از ۲۰ مهرماه در شبکه چهار آغاز و پخش شد. اختتامیه این جشنواره نیز از طریق شبکه ۴ پوشش داده شد. در اختتامیه این جشنواره از مدیران فعال که در یک مدیریت جهادی، باور حوزه هنری برای برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای بودند، تقدیر به عمل آمد. همچنین جشنواره میزبان ۲۰۰ هنرمند بود که طبق روال سه سال گذشته از روز نخست تا پایان جشنواره، فارغ از روز اجرایشان در جشنواره، میهمان حوزه هنری بودند تا از این طریق گروه‌ها نمایش‌های بیشتری ببینند و دست به کسب تجربه بزنند.

”

بیست و سومین جشنواره سراسری تئاتر سوره ماه کار خود را با اجرای ۳۳ نمایش در ۵ بخش اصلی، تجربه‌های جوان، بچه‌های مسجد، خیابانی و مهمان آغاز کرد و تالارهای اندیشه و سوره و نیز تماشاخانه‌های مهر و ماه و همچنین خانه نمایش اداره تئاتر، میزبان نمایش‌های صحنه‌ای جشنواره بودند. همچنین در بخش جنبی نیز ۵ کارگاه آموزشی با حضور اساتیدی چون دکتر سعید اسدی، دکتر مهرداد رایانی مخصوص، دکتر محمدحسین ناصر بخت، پیام فروتن و آرزو افشار برگزار شد.

“



متن نمایشی به عنوان یک آسیب اساسی در تئاتر کشور مطرح است.

۴ علی‌رغم محوریت شعار اندیشه، معنویت و هنر در بیشتر آثار شرکت کننده به نظر می‌رسد که این محورها در سایر آثار نیز می‌بایست بیشتر و پررنگ‌تر مورد پرداخت قرار بگیرند.

۵ علاقه و اشتیاق نسل جوان (بیشترین شرکت کنندگان جشنواره) به ظواهر تئاتر مدرن یک آسیب جدی است. کم توجهی به اصول و قواعد و ساختار گریزی بدون پشتوانه علمی و هنری از ویژگی‌هایی است که در عمده آثار این چنینی هنرمندان را هدف، هدف را هنر و هنر را از اندیشه دور می‌کند. مباحث و گفتگوهای صورت گرفته در کارگاه‌ها این مسئله را بارها و بارها مورد تاکید قرار داد و البته اکثریت هنرمندان در مورد آن اتفاق نظر داشتند. اما در مجموع به نظر می‌رسد که آگاه‌سازی، آموزش و تمرین بیشتر، هنرمندان را با اصول، قواعد و حتی گاه مبانی علم تئاتر آشنا کند.

تعمیل به تولید تئاتر از روی کتاب‌ها و بر اساس تئوری‌ها و نظریات بدون پشتوانه‌های علمی و عملی لازم و کافی و بازی با ظواهر و سبک‌ها به جای رعایت اصول و قواعد در برخی از نمایش‌ها به وضوح دیده می‌شود. ادامه یافتن چنین رویکردی در گروه‌های نمایشی در صورت بی‌توجهی و عدم شناخت کافی اعضای گروه منجر به هدر رفتن تلاش آن‌ها خواهد شد که مسلمان هدف جشنواره سور ماه دقیقاً بر خلاف آن است.

۶ به نظر می‌رسد که مرحله تحلیل متن و پیدا کردن شناخت گروه (به ویژه بازبزرگان) نسبت به مناسبات محتوایی آثار در جریان پروسه تولید برخی آثار جدی گرفته نشده و یا این که گروه‌ها بی‌توجهی از کنار آن گذشته و مستقیماً وارد مراحل دیگر تولید شده است.

۷ شتابزدگی و سطحی‌نگری که از ویژگی‌های تئاتر جشنواره‌ای ماست در مورد اغلب آثار کمتر به چشم می‌خورد.

۸ سطح مطالعات شرکت کنندگان در جشنواره و حضور هنرمندان تحصیل کرده در میان آن‌ها نشان دهنده این امر است که آشنایی با نظریات و تئوری تئاتر به نحو مطلوب در هنرمندان وجود دارد. اما در عین حال چگونگی استفاده از علم در تجربه عملی ظاهراً به عنوان یک آسیب مهم باعث افت کیفی آثار شده بود. در واقع هنرمندان به خوبی می‌توانستند درباره تئاتر گفتگو کنند اما در استفاده از این تئوری و علم تئاتر در آثارشان موفق نبودند.

۹ جای خالی پرداختن به مسائل روز جامعه و محتوایی که برآمده از نیازهای امروز جامعه ایرانی باشد در برخی آثار به وضوح احساس می‌شود.

در پایان آنچه به نظر می‌رسد می‌توان دوباره متذکر شد، توجه به اتفاق خوب ایجاد جریان نقد در تئاتر حوزه هنری است. همانطور که گفته شد هنرمندان نیز از برگزاری جلسات نقد استقبال درست و منطقی‌ای داشته‌اند که این روند نشان دهنده افق روشنی برای ثمرات نقد تئاتر در حوزه هنری است.

توجه ویژه حوزه هنری به مقوله آموزش در تئاتر کشور

علم؛ پشتوانه تئاتر خلاق و معناگرا

هانیه دماوندی

به بهانه برگزاری بیست و سومین جشنواره تئاتر سور ماه که در جریان آن شش کارگاه تخصصی در قالب‌های مختلف آموزشی تئاتر صورت گرفت بررسی دانشنامه‌ایم بر روند نگاه حوزه هنری به نقد و آموزش در تئاتر در سال‌های گذشته که باعث شده تا این روزها فرهنگ گفتگو و نقد در تئاتر حوزه هنری بیش از هر زمان دیگری رواج پیدا کند. برگزاری جلسات نقد حضوری نمایش‌های اجرا شده در تالارهای حوزه هنری آغازگر این حرکت بود و رویکرد مثبت مدیران و استقبال هنرمندان از نقد آثارشان باعث شد که نقد حضوری نمایش‌ها در کنار نقد مکتوب با اجراهای جشنواره سور ماه سال گذشته نیز همراه شود.

می‌تواند حتی نتایج بهتری را هم به دنبال داشته باشد.

۲ جلسات نقد نمایش‌ها؛ از محدوده ساختار گروه‌های شرکت کننده برگزار شد و در هیچ یک از جلسات موضوع بحث کارگاه از این محدوده و محتوای آثار جشنواره خارج نشده و حاشیه‌ای به وجود نیامد. این فضای سالم گفتگو هنری از یک سو حاصل برنامه‌ریزی درست و فرهنگ‌سازی برگزار کنندگان و از سوی دیگر نشان دهنده علاقه، اشتیاق و میل به گفتگو از سوی شرکت کنندگان است که نقدهای مثبت و منفی در مورد نمایش‌هایشان را با احترام و صوری پذیرفتند و به جان گرفتن گفتگو کمک کردند.

۳ مهمترین و جدی‌ترین مشکل آثار شرکت کننده - همچنان که اغلب شرکت کنندگان در مورد آن اتفاق نظر داشتند - به کیفیت متون نمایشی و نبود نمایشنامه‌های مناسب دارای ساختار و محتوای مطلوب دراماتیک مربوط می‌شود. ضعف نمایشنامه نویسی مشکل مشترک آثار شرکت کننده در جشنواره بود که به نسبت‌های مختلف در همه آثار مشاهده می‌شد. هر چند باید تاکید کرد که این کاستی در مورد کلیت تئاتر ایران و تقریباً همه جشنواره‌های تئاتر ما مصداق پیدا می‌کند. چنان که سال‌هاست مسئله تولید نمایشنامه به عنوان یک مسئله مهم و کمبود

در شرایطی که تئاتر امروز دنیا نقد را مغز متفکر تئاتر می‌داند و پرورش و تقویت نقد را در ارتقا و پیشرفت تئاتر علمی بسیار موثر می‌شمارد، حوزه هنری جزو نهادهایی است که نگاهی جدی به مسئله نقد تئاتر دارد و از همین روست که امسال کارگاه‌های نقد و بررسی آثار در برنامه پنج جشنواره منطقه‌ای و جشنواره سراسری گنجانده شده و انتظار می‌رود که به نحو مطلوب‌تر در جشنواره سراسری سور ماه نیز پیگیری شود. در این یادداشت مهدی نصیری به دنبال ارائه برآیندی کلی از نشست‌های نقد تئاترهای اجرا شده در همایش‌های منطقه‌ای است که می‌توان آن را نتیجه و حاصل برگزاری کارگاه‌های نقد در کنار جشنواره تئاتر سور ماه دانست:

۱ در کنار استقبال بسیار خوب هنرمندان شرکت کننده در جشنواره، علاقه‌مندان تئاتر و هنرمندان استان و تماشاگران آثار از شرکت کنندگان کارگاه‌های نقد بودند و این نشان دهنده گستردگی تأثیر فرآیند گفتگو تخصصی تئاتر در جشنواره‌هاست که به طور مستقیم منافع نهاد برگزار کننده جشنواره را در جهت نقد و نظر گروهی تأمین می‌کند و از سوی دیگر به طور غیرمستقیم جامعه گسترده‌تری از مخاطبان را با هنر و اندیشه که از رویکردهای مهم جشنواره تئاتر ماه است مواجه و همراه می‌سازد. برنامه‌ریزی دقیق‌تر و اطلاع‌رسانی گسترده‌تر

درباره نمایش «آوازهای سرشام»

سر سفره شام آوازهایی شنیده می شود

حبیب معصومی

نمایش «آوازهای سرشام» دست به روایت دو خانواده و دو فرد کنار هم از سه دوره زمانی می زند، سه برهه از زمان در کنار یکدیگر، جایی که هر دو خانواده و آن دو فرد اتفاقات سایر افراد را فارغ از برهه زمانی حضورشان نظاره گر هستند و حتی در آن نیز مشارکت می کنند. کارگردان اثر یا شکست خط زمان و حرکت در این سه زمان، قصد دارد یک روایت متفاوت را به تماشاگر خود ارائه دهد.

خانواده نخست از اکبر پدر خانواده و همسرش عذرا و پسرش اصغر تشکیل می شود. اکبر در مرغداری کار می کند و تخم مرغ های خراب را تبدیل به ساندویچ می کند و می فروشد و زنش مخالف این امر است، در خانواده دوم زن و مردی جوان در یک پنت هاوس زندگی می کنند و پایه های بنیان زندگی آنها بر منفعت طلبی و مناسبات مالی بنا شده است. در قسمت دیگر دو مرد قرار دارند که در ابتدای اثر به طور دائم درگیرند، رفته رفته متوجه می شویم که آن ها دو سرپاز هستند که در سقوط خر مشهر، در زیر زمین یک خانه گیر افتاده اند و هر لحظه منتظر حضور عراقی ها هستند. مهدوی با انتخاب این شکل از روایت قصد داشت برخی مسائل جامعه را مورد نقد قرار دهد، مسائلی مانند حرمت سفره، گسست خانواده ها، جایگزینی پول با روابط انسانی و احساس و مسائلی از این دست که باید بگوییم علیرغم تلاش های زیاد خود ناموفق بوده است. مهدوی اگر قصد داشت داستانی در رثای اهمیت خانواده یا در ستایش ایثار در دفاع مقدس بگوید، با این نمایش هیچ یک از این دو محقق نشده است. قصه هایی که از سوی خانواده ها روایت می شود، گاه بار دراماتیک خود را از دست می دهند و تنها به شوخی هایی تبدیل می شوند که هدفشان خنداندن مخاطب است و هیچ کمکی به جریان نمایش

در این نمایش، کارگردان اثر با انتخاب یک زمینه با حالت پرده ای شکل و استفاده از داستانی بادستکش روندورود و خروج آکسسوار صحنه را سرعت بخشیده است.

نمی کند. سوال اساسی اینک این است با حذف خانواده سنتی اکبر در دهه هفتاد و خانواده مدرن در دهه ۹۰ چه ضربه ای به روایت اصلی مد نظر کارگردان که همان شهادت بردین است وارد می شد؟ تمامی شلوغی های صحنه، مژه پرانی ها، درگیری های بی حد خشونت بار و گاه ضد فرهنگی و بی اصول همه و همه در جهت آن بود که «بردین» بر شجاعتش غلبه کند و رو در روی عراقی ها کمپوت گیلاس بخورد! اگر مهدوی به دنبال روایتی پست مدرن بود، این نمایش با یک پایان بندی ملودراماتیک و سوزناک با روش اتخاذی او همگام و هم عنصر نبود و در غیر این صورت این نمایش تنها یک کولاز از قطعات زندگی افراد است که فارغ از نشان دادن ارزش ها در رابطه هر یک که آن هم اتفاق نیفتاده است، هیچ وجه اشتراکی برای نشستن بر سر یک سفره ندارند!

اختلافات خانواده دهه ۷۰ و ۹۰ تنها موبد فراموشی ارزش های ایثار است؟ آیا شام به عنوان یک عنصر کلیدی و مشترک توانسته نقطه اتصال و ارتباط این سه گوش مثلث به یکدیگر باشد؟ این

ها تماما سوالاتی است که باید به شکلی تفصیلی و موشکافانه به آن ها پاسخ داده شود زیرا در کلیت یک اثر شاداب و با قدرت جذب مخاطب پیش روی ما است اما در نهایت امر ما تنها یک قاب عکس از قطعاتی بی ربط و بی موضوع را در کنار یکدیگر می بینیم که می تواند آن را با واژه پست مدرن و فرا مدرنتیه به معرض دید عموم گذاشت اما قدرت اثر بخشی و برانگیختگی سیستم تفکری مخاطب در کجای آن گنجانده شده و به آن فکر شده است؟ در این نمایش، کارگردان اثر با انتخاب یک زمینه با حالت پرده ای شکل و استفاده از داستانی بادستکش روندورود و خروج آکسسوار صحنه را سرعت بخشیده است. در لحظاتی از این نمایش، دست هاس دستکش پوش با ایجاد فرم های خاص و بازی های خاص قصد دارند نمایش را از حالت بازیگری صرف به سوی استفاده از تکنیک های دیگر نمایشی سوق دهد. حتی در صحنه آخر نیز این دستکش ها که اینک همسان با آب کمپوت گیلاس و خون بردین قرمز هستند، روند ریخته شدن خون او را روایت می کنند.

در پایان این نمایش مردی وارد می شود و قطعه ای موسیقی را با سوت به صورت زنده اجرا می کند و قاب آخر نمایش را که شهادت بردین است تکمیل می کند، این تمهید کارگردان از معدود نقاط مناسب و معقول نمایش در کلیت اثر است که مخاطب در انتها با آن آشنا می شود.



نمایش «این عکس که می ماند» روایت عکاسی شهید است به نام «بهزاد» که با دیدن یک عکس از جنگ ایران و عراق، تحصیل رشته ریاضی را در فرانسه رها می کند و به جبهه های جنگ می رود.

وحید رضایی

یادداشتی بر نمایش «این عکس که می ماند»

خاطره عکس در قاب تئاتر

نمایش «این عکس که می ماند» روایت عکاسی شهید است به نام «بهزاد» که با دیدن یک عکس از جنگ ایران و عراق، تحصیل رشته ریاضی را در فرانسه رها می کند و به جبهه های جنگ می رود تا عکاسی کند، او شهید است، شهیدای عکاسی و شهیدای نگار دختر فرمانده گردانی که او در آن حضور دارد.

کارگردان با انتخاب نوعی سیالیت در روایت، قصد حرکت در گذشته و آینده را دارد، جایی که خاطرات حضور در جبهه و سر نوشت نامعلوم عملیات و وضعیت بهزاد در اسارت، گاهی به طور همزمان و تنها با تغییر رنگ یک نور اتفاق می افتد که از نکات جالب در کارگردانی این اثر است. نکته قابل توجه در این اثر، موضوع شهیدایی و عاشقی یک فرد به دور بین عکاسی و مقوله عکاسی است، جایی که حتی همسر بهزاد، می گوید که بهزاد بدون او زنده می ماند اما بدون دور بینش نه و شاهد این مدعا را این گونه می بیند که بهزاد دور بینش را با خود به جبهه و جنگ برده است اما همسرش نه! از این دست استدلالات و بازی با کلمات در متن و اجرا به وفور دیده می شود. این نمایش مانند بسیاری از نمایش های شبیه خود قصد انتقال یک پیام مهم به مخاطب را دارند و بستر آن را در بر روابط شخصی، خانوادگی و کاری او بنا می کنند و به ارتباط او با محیط می پردازند. مسئله ای که باعث می شود اثر بی رمق و گرفتار در ورطه شعارزدگی بشود، حکایت شهیدایی یک دانشجوی ریاضی در کشور فرانسه برای حضور در جنگ بیشتر کمی شبیه نظریه های ایده آلیستی است تا یک اثر رئال و وحقیقی.



جایی که حتی فرمت شکنجه شدن یک اسیر با دور بینش و ذکر این نکته که افسر عراقی عاشق دختری یک ایرانی بوده و چون به او نرسیده است افسر ارتش بعث عراق شده است و می خواهد از طریق دور بین بهزاد را به حرف بیاورد، آن قدر غیر واقعی است که نمی تواند ادای دین خود را به مسئله عظیم دفاع مقدس و جنگ انجام دهد.

نوآوری و به روز کردن اتفاقات دفاع مقدس برای نسل امروز امری لازم و ضروری است، اما کارهای کلیشه ای و گاه حتی مورد استفاده از زبان امروزی از سوی یکی از شخصیت های که در دوران جنگ روایت می شود، به اثر ضربه های جدی وارد می کند. این اثر نمایشی می توانست با تکیه بر همان فضای برزخی و استفاده از حرکت روایان در گذشته، حال و آینده قهرمان قصه، درک درستی را به دست مخاطب اثر نشان بدهند و بدین طریق مفاهیم مورد نظر متن را منتقل کنند. شاید بستر یک دور بین عکاسی، علاقه شدید قلبی به عکاسی و در نهایت روابط و احساسات که بر پایه آن ها کل نمایش استوار است، آن قدر بار دراماتیک نداشته باشد که ما نمایشی برای طرح موضوع فداکاری و ایثار دفاع مقدس را از طریق آن به مخاطبان خود عرضه کنیم.

طراحی صحنه این نمایش از شکل ساده و کمینه گرایی (مینی مالیستی) بهره برده است و توانسته است یک طرح کاربردی برای اجرای نمایش باشد، تکه های انتهای صحنه که حکم درب های شیشه ای برقی را بازی می کنند، گاهی یک قاب عکس می شوند، گاه دیوار سنگر و بیمارستان و در انتهای نمایش تبدیل به یک تابلو پیوسته از مردانی که برای دفاع مقدس قدم به جبهه های جنگ حق علیه باطل نهاده اند.

بازی بازیگران این نمایش به جز دقایقی از بازی مسئول بازجویی بهزاد در ایران و حاج کاظم فرمانده گردان به دور از اغراق بود، اما متناسفانه دیالوگ های پرگو، ممتد و گاهی بیهوده نمایش، این بازی های مناسب را در خود گم می کرد و باعث می شدند که به کلیت اثر ضربه وارد شود و مخاطب نیز کلافه از این همه پرگویی به بازی خوب بازیگران نمایش دقت لازم را نکند. به هر ترتیب برای کارگردان و عوامل اجرایی این نمایش آرزوی موفقیت داریم و به آن ها خسته نباشید می گوییم.



گذری بر نمایش «خیر نبینی سعیده»

مردی که خیر ندید!

امید حسین دوست

نمایش «خیر نبینی سعیده» روایتی شیرین از بیداری های فردی به نام «خلیل» است که هر لحظه از زندگی اش به دلیل یک جابه جایی ساده در نقطه ابتدایی تولدش، با بیداری و کم شناسی روبرو است. پدر خلیل، یک کارگر ساده است که از روستای خودشان برای عملگی به شهر تهران رفته است، پیش از رفتن او، زن و دخترش هر دو با یکدیگر در یک زمان حامله هستند و او به زنی می گوید که اگر این بار هم بچه او دختر باشد، برای همیشه او را طلاق خواهد داد و در تهران زن خواهد گرفت. بچه های مادر و دختر به دنیایمی آیند، بچه مادر طبق معمول دختر است و باید به فکر طلاق باشد! اما بچه دخترش پسر است، در یک جابه جایی ساده و به خاطر این که خانواده آنها به هم نریزد، جای خواهر زاده بادایی عوض می شود، نام دایی خلیل می شود و نام خواهر زاده سعیده.

«نویسنده اثر با استفاده از تکنیک فلاش بک تلاش کرده است که طراحی یک فضا تیمارستان و بردن خلیل به آنجا و مواجهه انتهایی اثر با سعیده، دست به روایت گذشته خلیل تا کنون بزند و این روایت در قالب بازی های نمایشی است که توسط خلیل تعریف می شود، خودش شخصیت اصلی آنهاست و خانم دکتر که ما در انتها متوجه می شویم خود سعیده است به ایفای نقش خانم ها می پردازد، از داستان به دنیا آمدنش، بزرگ شدنش، ازدواج خواهرش با یک عرب پولدار و رفتن آن ها به همراه سعیده از خانه شان، تا ماجرای مرگ پدر خلیل روز عروسی او و ریش نیمه تراشیده شده او که مضحکه دست دیگران است. در تمامی لحظات نمایش با توجه به این که ریشه تمامی مشکلات و اتفاقات یک سویش به دلیل جابه جایی اش با سعیده است، دائم می گوید «خیر نبینی سعیده!» در این نقطه است که مخاطب متوجه می شود چرا این اثر به این شکل نام گذاری شده است.

موسیقی زنده این نمایش از نقاط قوت آن بود، دو نوازنده حاضر در گوشه صحنه، به صورت زنده موسیقی نمایش را اجرا می کردند و هر دوی آن ها آواز نیز می خوانند، نکته قابل ذکر و توجه در خصوص موسیقی این اثر نمایشی، تبدیل کردن نواها و

آوازهای آشنای ایرانی به شعرهایی طنز گونه بود که باعث می شد فضای فانتزی نمایش تکمیل گردد و مخاطب برای لحظاتی از فضای روایت گونه خلیل جدا شود و لحظه ای با کمک آوازها که مرتبط با اتفاق صحنه همراه بود، به روایت هایی که تا کنون شنیده است فکر کند. بر کسی پوشیده نیست که شاید در نبود این تمهید مهم کارگردانی، روایت های خلیل و دکتر روانشناس اش علی رغم شیرین تکنیک «بازی در بازی» و «نمایش در نمایش» گاهی می توانست مخاطب را خسته و از جریان اصلی روایت دور کند. در طراحی صحنه این نمایش از دو طیف بادکنک مشکی و سفید استفاده شده بود که می توانست نماد دوران خوشبختی و سپید خلیل باشد و بادکنک های سیاه که نماد تیره روزی های اوف در پایان نمایش، خلیل با کمک خانم دکتر که اینک متوجه شده است خود سعیده است، بادکنک های مشکی را از بادکنک های سفید جدا می کنند و این گونه می گویند که دوران هجران به سر آمده است و اینک وقت وصال است. در بقیه طراحی صحنه و لباس این نمایش نیز سادگی و کاربردی بودن حضور عناصر و اشیاء به خوبی از سوی کارگردان رعایت شده بود و بقیه نیازهای صحنه با خیل تماشاگران و با ساختن مجازی آن توسط بازیگران بر صحنه شکل می گرفت.

نمایش «خیر نبینی سعیده» جزء آثار خوب بیست و سومین جشنواره تئاتر سراسری سورهماه بود که باعث شد لبخند بر لب مخاطبان تئاتر بشیند و بازیگران این نمایش با یک بازی خوب و مناسب کمک کنند که فضای جشنواره گرم تر شود و اتمسفر محتوایی آثار نیز با یک طعم جدید به مخاطبان عرضه شود. حضور چنین آثاری در جشنواره تئاتر سورهماه می تواند باعث ایجاد تنوع در طیف نمایش های حاضر در جشنواره شود. برای این گروه آرزوی موفقیت و پیروزی داریم و به آن ها یک خسته نباشید گرم از سوی جشنواره و مخاطبان می گوئیم.

موسیقی زنده این نمایش از نقاط قوت آن بود، دو نوازنده حاضر در گوشه صحنه، به صورت زنده موسیقی نمایش را اجرا می کردند و هر دوی آن ها آواز نیز می خوانند، نکته قابل ذکر و توجه در خصوص موسیقی این اثر نمایشی، تبدیل کردن نواها و آوازهای آشنای ایرانی به شعرهایی طنز گونه بود.



چرا حوزه هنری به تئاتر استان‌ها بهای دهد؟

تاثیر مثبت برگزاری جشنواره در تئاتر استان‌ها

نیما بیگلریان



برگزاری همایش‌های تئاتر منطقه‌ای سوره‌ماه، یکی دیگر از برنامه‌های این مرکز است که در مناطق مختلف کشوری با حضور مراکز حوزه هنری شهرستان‌ها برگزار می‌شود. در همایش‌های تئاتر منطقه‌ای سوره‌ماه تمامی گروه‌های شرکت‌کننده به دور از هر گونه دغدغه و نگرانی رقابت، کنار یکدیگر به اجرای آثار نمایشی خود می‌پردازند چراکه اصولاً هدف از برگزاری چنین شکل اجرایی، دیده شدن آثار هنرمندان استان‌ها و ارتقاء کیفی آثار و تبادل اندیشه بین هنرمندان

مناطق مختلف کشوری با حضور مراکز حوزه هنری شهرستان‌ها برگزار می‌شود. در همایش‌های تئاتر منطقه‌ای سوره‌ماه تمامی گروه‌های شرکت‌کننده به دور از هر گونه دغدغه و نگرانی رقابت، کنار یکدیگر به اجرای آثار نمایشی خود می‌پردازند چراکه اصولاً هدف از برگزاری چنین شکل

اجرائی، دیده شدن آثار هنرمندان استان‌ها و ارتقاء کیفی آثار و تبادل اندیشه بین هنرمندان است. انتخاب‌نمایش‌ها به نظر مسئولان واحد نمایش هر استان، ارائه اسامی هیئت داوران قبل از برگزاری همایش، حضور یک نفر داور ثابت در تمامی مناطق، همگی از ویژگی‌های مثبت و قابل توجه جشنواره تئاتر سوره‌ماه است. همچنین دفتر تئاتر کودک و نوجوان با اعلام فراخوان مسابقه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی "استعدادهای تازه"، به میان هنرمندان استان‌ها آمد تا استعدادهای ناشناخته حوزه‌ی تئاتر کودک و نوجوان را شناسایی کند. البته به نظر نگارنده‌ی این سطور، این فراخوان به تنهایی برای حوزه‌ی تئاتر کودک و نوجوان کافی نیست و جادارد دفتر تئاتر کودک و نوجوان مراکز هنرهای نمایشی حوزه هنری توجه ویژه و کاربردی تری به این گونه‌ی تئاتر تخصصی نماید. چراکه تئاتر کودک و نوجوان می‌تواند اساس خلاقیت و اندیشه‌ی هنرمندانه کودکان و نوجوانان را در آینده بسازد.

حضور مقتدرانه تئاتر استان‌ها در تهران، می‌تواند به برقراری تعاملی دو سویه میان هنرمندان مرکز و استان‌ها و در نهایت رونق بیشتر تئاتر کشور کمک شایان توجهی نماید. یکی از نتایج تعامل و گفت‌وگو بین هنرمندان استان‌ها و هنرمندان مرکز، تبادل اندیشه، ارائه نظرات و راهکارها در جهت حل مشکلات

پیش پای اهالی و دلسوزان هنر تئاتر است. بایست اذعان داشت که حضور مقتدرانه‌ی تئاتر استان‌ها در تهران، می‌تواند به برقراری تعاملی دو سویه میان هنرمندان مرکز و استان‌ها و در نهایت رونق بیشتر تئاتر کشور کمک شایان توجهی نماید. یکی از نتایج تعامل و گفت‌وگو بین هنرمندان استان‌ها و هنرمندان مرکز، تبادل اندیشه، ارائه نظرات و راهکارها در جهت حل مشکلات پیش پای اهالی و دلسوزان هنر تئاتر است. تئاتر استان‌ها در سال‌های گذشته تاکنون بارها ثابت کرده است که از توانایی و خلاقیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هر گاه توجه ویژه‌ای به آن شده، آثار درخور توجهی را به تئاتر کشور

عرضه کرده است. مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، نیز از دیرباز با اهمیت دادن به مسئولان واحد نمایش استان‌ها و سپردن وظایف و مسئولیت‌های بیشتری به آنان در این راه همواره کوشا بوده است. برگزاری همایش‌های تئاتر منطقه‌ای سوره‌ماه، یکی دیگر از برنامه‌های این مرکز است که در

مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، نیز از دیرباز با اهمیت دادن به مسئولان واحد نمایش استان‌ها و سپردن وظایف و مسئولیت‌های بیشتری به آنان در این راه همواره کوشا بوده است.

برگزاری کارگاه‌ها و تولیدات تخصصی متون نمایشی، راه‌اندازی دفاتر تئاتر کودک و نوجوان شهرستان‌ها، تولید و اجرای نمایش‌های محیطی و کارگاهی در مدارس و سایر نقاط آموزشی در این گونه‌ی شکل تئاتر پیشنهادهایی است که قابلیت اجرایی شدن دارند. برگزاری نشست مسئولان واحد نمایش به صورت سالیانه، نشست کار گروه‌های تخصصی، نشست مسئولان واحد نمایش شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر سوره‌ماه، نشست منطقه‌ای مسئولان واحدها و... از دیگر ویژگی‌ها و اهمیت به تئاتر شهرستان‌ها است که رئیس مرکز هنرهای نمایشی به مناسبت‌های مختلف در جریان امور دفاتر استانی قرار گیرند. حضور فردی مسئولان واحدها، در دفتر مدیر مرکز و مطرح کردن موضوعات کاری و همفکری و مشورت با مرکز نیز از دیگر نکات توجه به تئاتر شهرستان است.

همراه بار سول بانگین

وقتی هنرمندان زیر یک سقف جمع می‌شوند

سجاد میرآبادی

رسول بانگین از شرکت‌کنندگان جشنواره بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره‌ماه با اثر نمایشی «فرشته‌ها»، است. او در این متن نمایشی ایزودیک ارتباط اجتماعی انسان‌ها و دیدگاه فرشته‌ها به مسایل انسانی است. مسایلی که از نگاه انسان‌ها سختی و درد توصیف می‌شوند اما برای فرشته‌ها نه تنها مشکل نیست بلکه گاهی حتی زیبا است. اورفتار صادقانه مدیران حوزه هنری را عامل جذب هنرمندان و شرکت در جشنواره تئاتر سوره‌ماه می‌داند.

آقای بانگین در خصوص داستان اصلی نمایش خود برای ما بگویند.

نمایش «فرشته‌ها» چهار ایزود دارد، در سه ایزود نخست ما با سه قصه کوتاه نمایشی روبرو هستیم که در ایزود چهارم این سه قصه به یکدیگر مرتبط می‌شوند و در تم اصلی آن ارتباط اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر است. در این نمایش با فرشته‌ها روبرو می‌شویم که از بیرون به بشر نگاه می‌کنند و مواردی که برای ما سختی و درد تعریف می‌شود، برای آن‌ها نه تنها مشکل نیست بلکه گاهی حتی زیبا است.

با توجه به ضعف عملکرد نهاد های دولتی در استان شما نقش حوزه هنری را در

نظر شما درباره رقابتی شدن جشنواره، مسئله رقابت گروه‌ها و تاثیر آن بر رشد تئاتر چیست؟

زمانی که رقابت نباشد، قدرت کششی به وجود نمی‌آید، بازیگران و عوامل صحنه‌ای میل بسیاری دارند که رقابت کنند و ارزیابی شوند، در این حالت علاوه بر کنش رقابت، حتی اگر جایزه‌ای به گروه تعلق نگیرد، اما با مقایسه داوری‌ها متوجه عیوب خود می‌شود دیگر سخنی از ناداوری و بی‌عدالتی نمی‌شود. این گونه هم عملکرد و دانش گروه‌ها در مقابل داوری عادل و آگاه به علم تئاتر سنجیده شده است و از سوی دیگر با سیستم‌های دیگر اجرایی گروه‌ها رقابت کرده و از آن‌ها بسیار می‌آموزند.

حمایت از تئاتر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هنرمندان به دلیل رفتار صادقانه، صمیمی و خوب مسئولان حوزه هنری و سیاست‌های تدوین شده و متناسب این نهاد دارند تا تولید آثار خود را از طریق این نهاد به سرانجام برسانند و ضعف سایر نهادها مزید بر علت شده است که هنرمندان زیر سقفی به نام حوزه هنری جمع شوند و به فعالی هنری خود بپردازند. زیر این سقف می‌تون آثار با محتوای مناسب و خوب برای جامعه تولید کرد و امید داشت که با این حمایت‌های حوزه هنری، روند و جریان تئاتر در شهرستان ادامه داشته باشد و رشد کند. از همین‌جا از تلاش‌های مدیران این نهاد تشکر می‌کنم.

همراه با افشین خورشید کیفیت متضمن ماندگاری می‌شود

افشین خورشید باختری معتقد است که نگاه کمی آفت جشنواره‌ها است و با برنامه ریزی دقیق می‌توان سطح کیفی آثار را بالا برد. افشین خورشید باختری، منتقد، مدرس دانشگاه و داور بازیگری بخش منطقه‌ای تهران بیست و سومین جشنواره تئاتر سورمه‌ها، در خصوص بخش تجربه‌های جوان گفت: برای بررسی تاثیر این بخش بر جریان تئاتر و به طور جزئی روند جشنواره تئاتر سورمه‌ها، نیاز به زمان دارد، باید بدانیم که فقط تعریف یک بخش نمی‌تواند چاره ساز باشد بلکه ما نیاز به تعریف در ست، برنامه ریزی و ابزار برای شکل دهی در ست به این بخش از جریان تئاتر داریم.

وی افزود: باید از مدیران پرسید که برای خروجی این جریان، چه اهدافی تعیین شده است، برای هر هدفی باید زمینه سازی شود و شرایط لازم به وجود آید. برای رسیدن به این اهداف تعیین شده، که به یقین ضرورت‌هایی برای آن وجود داشته است و به همین منظور نیز از بخش اصلی جدا شده، نیازمند برنامه بلند مدت و تدویم آن هستیم.

خورشید باختری، در ادامه با اشاره به محدوده سنی شرکت کنندگان بخش جوان گفت: ما در این بخش با افراد جوان، آماتور و دانشجویان رووبر هستیم، که کمتر دیده نشده‌اند و در دوران جوانی به سر می‌برند، ممکن است افرادی حضور بالایی سی سال هم سن داشته باشند اما از منظر تجربه جوان محسوب شوند و ممکن است فردی سنی کمتر از سی سال داشته باشد اما حرفه‌ای و کارآزموده باشد.

وی در ادامه در خصوص موضوعات جشنواره گفت: هر جشنواره موضوعی دارد، که به آن‌ها یا به صورت کلی یا جزئی تکرار بسته می‌شود، در بسیاری از نقاط دنیا رپورتاژهایی با نگاه و رویکرد به یک نویسنده یا یک شیوه اجرایی خاص برگزار می‌شود. جشنواره سورمه‌ها نیز موضوعاتی مختص به خود دارد.

این مدرس دانشگاه سپس گفت: حوزه هنری یک نهاد دولتی است، در سیستم تئاتر دولتی، مدیران برنامه ریزی کلان می‌کنند و به این نکته توجه دارند که برنامه ریزی شان در حوزه سیستم فکری همان سازمان یا نهاد باشد، این نوع نگاه به شکل خواسته یا ناخواسته به تمامی شئون یک جشنواره از فراخوان تا برگزاری تسری پیدا می‌کند و این حق هر نهادی است که با موضوع مورد نظر خود اقدام به انجام هر گونه فعلیاتی بکند. اما این که آیا به اهداف مورد نظر خود می‌رسد یا خیر، باید در زمان برگزاری جشنواره و بعد از آن بررسی و تحلیل‌های علمی و مناسب در خصوص آن شکل بگیرد، تا به جای نگاه کمی و آماری، به سمت کیفیت گام بردارند. سوال مهمی که باید پرسیده شود این است که آیا مدلی ساخته شده است؟ آیا نمایشی می‌تواند نماینده این سیستم گرایشی باشد. تمامی این سوالات باید به درستی پاسخ داده شود تا نتیجه مطلوب در پایان هر برنامه ریزی و سیستم اجرایی حاصل شود.

این منتقد با سابقه تئاتر درباره شیوه‌ی درونی تئاتر گفت: تئاتر به علت شیوه‌ی درونی خود که قادر به طرح مسئله و گفتگو درباره هر موضوعی است که از منظر شیوه، موضوع و شکل اجرایی به شدت متنوع است و می‌توان گفت تئاتر موضوع بشر است. زمانی که موضوعی به یک جشنواره می‌نگریم، قصد داریم به نمونه‌های ویژه‌ای برسیم که این نمونه ویژه در پایان جشنواره مشخص می‌شود. به همین علت مسئله کیفیت در موضوع مهم است و نه خود موضوع، باید در این مسیر تاثیر گذاری موضوع به خوبی بررسی شود.

خورشید باختری در خصوص ایجاد یک نمونه رسمی و تاثیرات آن بر جریان تئاتر گفت: زمانی که بخواهیم از برنامه ریزی‌های موضوعی خود بهره ببریم، باید یک نمونه رسمی و کامل از برآیند جشنواره موضوعی خود داشته باشیم که با عرضه و نمایش آن، تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آنرا بر کل جامعه بررسی کنیم و بعد بینیم که آیا می‌توانیم باعث تداوم این روند بشویم و این تداوم کیفیت نیز دارد، این دو سوال اخیر بسیار مهم و تاثیر گذار است. چون گاهی حرف و ایده‌های درست وجود دارد، اما این کیفیت است که متضمن ماندگاری می‌شود، این اصلی است که در همه جشنواره‌ها مطرح است، نگاه کمی آفت جشنواره‌ها است، باید از خود پرسیم که آیا تولید اثر ماحصل کار حرفه‌ای تئاتر است یا خیر.

یادداشتی درباره جشنواره سراسری تئاتر سورمه‌ها

فرصتی برای حرفه‌ای شدن جوانان با انگیزه و خلاق

حسینعلی شونیدی

در جشنواره‌های منطقه‌ای تئاتر «سوره‌ها» هنرمندان انگیزه‌ی خود را نشان داده‌اند، مخاطبان و تماشاگران شهرستانی هم از نمایش‌های مورد حمایت حوزه هنری استقبال کرده‌اند و حوزه هنری نیز بستر لازم را برای رشد این هنر فرهیخته در اختیار دارد اما نباید ناگفته گذاشت که ضعف فنی آثار و کمبود دانش گروه‌های جوان همچنان وجود دارد.

جشنواره‌های مناطق و سراسری تئاتر سورمه‌ها محملی است تا به جوانان مشتاق و علاقه‌مند که اندیشه‌های حوزه هنری را مورد توجه و سرلوحه‌ی کاری خود قرار داده‌اند، فرصتی داده شود تا حرفه‌ای شدن را تمرین کنند.

هنرمندان استان‌ها انگیزه‌ی خود را نشان داده‌اند، مخاطبان و تماشاگران شهرستانی هم از نمایش‌های مورد حمایت حوزه هنری استقبال کرده‌اند و حوزه هنری نیز بستر لازم را برای رشد این هنر فرهیخته در اختیار دارد اما نباید ناگفته گذاشت که ضعف فنی آثار و کمبود دانش گروه‌های جوان همچنان وجود دارد و لازم است تا با توجه بیشتر و اختصاص اعتبار لازم برای پشتیبانی از برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های حرفه‌ای و مورد وثوق مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، راه شکوفایی استعداد‌های جذب شده به مراکز استانی حوزه هنری را تسریع کرد.

معتقدم در حال حاضر، جشنواره تئاتر سورمه‌ها در جهت توجه به رشد جوانان علاقه‌مند به تئاتر و حوزه هنری، مسیر خود را درست می‌پیماید و نیز از هیچ تلاشی برای چه بهتر برگزار شدن شدن این رویداد، مضایقه نمی‌کنند اما صرف برگزاری این جشنواره به خودی خود ثمره‌ی مورد انتظار را حاصل نمی‌کند مگر آن که مراکز استانی، ساز و کار آموزش هنر جوان خود را به صورت

مستمر و حرفه‌ای در طول سال، در اختیار داشته باشند که همانا این ساز و کار چیزی نیست جز برنامه‌ی ریزی درست و اعطای اعتبار کافی و نیز عملیاتی کردن حرفه‌ای این برنامه‌ها. به طور حتم اگر چنین شود که انشالله می‌شود، حوزه هنری توانسته در راستای سیاست‌های خود، دانش بخش بزرگی از بدنه‌ی تئاتر استان‌ها را ارتقاء داده و تامین کند که همین اتفاق با شکوفایی نام‌های جدید و جوان، روی خواهد داد، انشالله.

چندی پیش که برای داوری جشنواره‌ی استانی تئاتر سورمه‌ها به بوشهر سفر کرده بودم با هنر جوانان و هنرمندان جوان و جوانی‌نامی آشنا شدم که حضور در عرصه‌ی تئاتر حرفه‌ای را بسیار جدی و مصمم دنبال می‌کردند. جوانانی که مدتی است در کارگاه‌های نمایش خلاق مرکز استانی حوزه هنری بوشهر، مشغول به فعالیت و هنرآموزی هستند و با توجه به خط مشی‌های حوزه هنری، هنر تئاتر را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

باید بگویم آثار این جوانان به نوبه‌ی خود، خلاقانه و جسورانه بود و انگیزه‌هایشان برای حضور موفق در جشنواره‌ی منطقه‌ای نیز بسیار تحسین برانگیز. با توجه به اخبار‌های رسیده در استان‌های دیگر وضعیت همین گونه است و هنرمندان برای حضور در جشنواره‌های منطقه‌ای آماده‌تر از هر زمان دیگری هستند. با فرارسیدن شهر یور ماه نیز جشنواره‌های منطقه‌ای آغاز به کار می‌کنند.

و اما در جشنواره‌های منطقه‌ای تئاتر سورمه‌ها سیاست‌ها به گونه‌ای چیدمان شده تا جوانان با انگیزه‌های ویژه برای حرفه‌ای شدن قدم در این رویداد بگذارند. گرچه اغلب قریب به اتفاق آثار متقاضی جشنواره‌های منطقه‌ای - با توجه به بازیگری فیلم آثار - دارای ضعف‌های فنی هستند اما همین که کارگردان‌های جوان، با انگیزه‌ی فراوان در تلاش هستند سطح

کیفی آثار خود را ارتقاء دهند، عمل قابل تقدیری می‌دانم. همانطور که دکتر رحمت‌امینی؛ مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری؛ بارها در سخنان خود تاکید کرده: «قرار نیست به پنهانی حمایت از تئاتر شهرستان‌ها، به آثار ضعیف باج داده شود خیر!» در حال حاضر نیز با توجه به پتانسیلی که در آثار مراکز استانی دیده می‌شود این توقع وجود دارد که هنرمندان با تلاش بیشتر، کیفیت آثار خود را بالا ببرند و مطمئناً سورمه‌ها انگیزه‌ی خوبی برای این حرکت است.



چند خط در باره «رود زنده می‌زاید»

در جست و جوی قطره‌ای آب

علی پور موسی

نمایش «رود زنده می‌زاید» به نویسندگی و کارگردانی احسان جانمی از اصفهان است، همان گونه که از نام آن پیداست ارتباطی با زاینده رود دارد و به نوعی کنایه به خشکی این رود مهم کشور و استان اصفهان است که خشکی آن درد بزرگی را بر جان تمامی مردم ایران گذاشته است، می‌زند. سپس بازگشت آب به این رود با داستان مردی که از آب می‌ترسد همراه می‌شود و برای عشق خود به آب می‌زند، در کنار شط‌اروند می‌جنگد، جسدش در ته آب می‌ماند و با بازگشت آب به زاینده رود، جسد او به بعد از ۲۰ سال پیدا می‌شود و به شهر خودش باز می‌گردد.

تمامی ارجاعات که از آن‌ها یاد شده و المان قرار دادن این عناصر برای روایت زندگی یک خانواده شاید کمی سخت باشد، نه برای نویسنده و کارگردان اثر بلکه مخاطبی که خودش را در مقابل ارجاعاتی می‌بیند که شاید دوران آن به سر آمده است، دوران استفاده از المان‌های بزرگ برای تفسیر شهادت و بی‌گناهی یک فرد. حتی بهره گرفتن از نام سیاوش و ارجاع به داستان گذر سیاوش از آتش، که حکم بیگناهی و عدم خیانت او ثابت می‌شود، مانند آن چه به سیاوش نمایش «رود زنده می‌زاید» وصله می‌کنند اما به او نمی‌چسبند. شاید داستان این نمایش می‌توانست در تغییر روایت خود و فرم اجرایی به شکل مطلوب تری دست پیدا کند.

بازی برخی بازیگران این نمایش چندان مناسب از کار در نیامده است، مهتاب مادر زند سیاوش و مادر فرنگیس قدری مصنوعی و با صدا سازی همراه می‌شود و شاید احساس می‌کنید در دهه ۶۰ در حال تماشای یک نمایش آماتور هستید، نه در سال ۱۳۹۳ در جشنواره تئاتر سوره ماه بازی سایر بازیگران نیز با بهره‌گیری از همان کلیشه‌ها و صدا سازی‌ها، به سویی رفته بود که کمتر می‌توانست تبدیل به یک نقطه اتکا برای نمایشی شود که قصد ارجاع به چند داستان مهم و چند عنصر معروف مانند «زاینده رود» را دارد. کارگردان اثر می‌توانست با انتخاب‌هایی بهتر در زمینه بازیگر و اعمال یک کارگردانی بهتر نمایشی را بر روی صحنه بیاورد.

طراحی لباس این نمایش به شکلی بر روی صحنه دیده می‌شد که نه تنها با کلیت اثر همراه نبود، حتی نمی‌توانست بخشی از شخصیت بازیگر حاضر در اثر را هویدا یا برای تماشاگر تعریف کند، زمانی که سخن از طراحی لباس به میان می‌آید باید با خود بگوییم طراحی لباس یا انتخاب لباس؟ چیزی که بیشتر در این نمایش دیده می‌شد، نوعی انتخاب لباس آن هم از نوع بی‌ربط آن با فلسفه وجودی نمایشی است که تماشاگری هوشمند شاهد آن است.

در طراحی صحنه این نمایش نکاتی دیده می‌شود که مثبت است، به طور مثال استفاده از یک پرده ساده در انتهای صحنه که علاوه بر نقش ورود و خروج وظایف دیگری از جمله کابینی برای ارتباط تلفنی شخصیت‌ها یا یکدیگر است. سوال مهم در خصوص بقیه طراحی صحنه این نمایش است که نمایشی که نماینده مردم اصفهان و رود «زاینده رود» است هیچ المانی جز یک بنر چاپ شده با کیفیت پایین و بدون هویت ندارد؟ آیا نباید در میان تمامی ارجاعات ریز و درشت به اتفاقات و عناصر شناخته شده، از یک المان بهتر و باورپذیر تر استفاده می‌شد؟ این‌ها سوالاتی است که پاسخگویی به آنها می‌توانست سطح کیفی اثر نمایشی را بالا ببرد.

در نمایش «رود زنده می‌زاید» تماشاگر با زندگی یک خانواده شهید روبرو می‌شود و یک مسئول واحد تجسس شهید در بنیاد شهید روبرو است، سوال اساسی این است که تا به کی می‌خواهیم با ایجاد تضاد میان دو سوی ماجرا، خانواده شهید چشم انتظار و مسئلی که به درستی نمی‌داند که چه باید بکند و با خواب دختر شهید دست به جستجو یک منطقه مهم، آن هم در اعماق آب اروند، که محل اصلی عملیات بوده است آن‌ها را می‌یابد و این کشف و یافتن همزمان با بازگشت آب به زاینده رود است! تمامی این‌ها شاید بتواند بعدی معنوی به این اثر بدهد اما شاید با تاریخ مصرفی نزدیک به گذشتن! فکری باید کرد...

در طراحی صحنه این نمایش نکاتی دیده می‌شود که مثبت است، به طور مثال استفاده از یک پرده ساده در انتهای صحنه که علاوه بر نقش ورود و خروج وظایف دیگری از جمله کابینی برای ارتباط تلفنی شخصیت‌ها یا یکدیگر است.



درنگی بر نمایش «زندگی بی دیش و المبیش»

در مذمت دیش!

حسین پور نظری

«زندگی بی دیش و المبیش» جزو آن دسته از آثار خیابانی محسوب می شود که با نیتی خیر پا به میدان تولید یک اثر خیابانی با پیام های اجتماعی می گذارند اما چون بسیاری از آثار خیابانی این دست در سطح و شعار می مانند اما خاطره چند شوخی را به لب مخاطبان جا می گذارند.

این نمایش در کلیت خود قصد دارد با نقد شبکه های فارسی زبان خارج از کشور، جامعه را نسبت به خطرات فرهنگی این گونه رسانه ها گوش به زنگ کند، خطراتی چون تغییر رویه فرهنگی و عادات اجتماعی در میان قشر های جامعه به خصوص جوانان و ایجاد هجمه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه مردم و حکومت کشور ایران است. اما این نقد گاهی آن قدر سطحی است که نه تنها نمی تواند مطلبی در مذمت یک پدیده بدهد بلکه گاه تبلیغ می شود.

المبیش که از نام یک قطعه از دستگاه های گیرنده امواج ماهواره ای الهام گرفته شده است، موجودی شبیه سازی شده است که با امواج ماهواره های تنظیم می شود و با گردش دیش ماهواره ها جهت حرکتش تغییر می کند، هدف نویسنده و کارگران این اثر در این مسیر متمرکز شده بود که با بهره گیری از خلق شخصیت المبیش، استحاله انسان های امروز به خصوص در ایران را در مقابل برنامه های بی محتوا و با فرهنگ های غلط ماهواره را به تصویر بکشد. این نمایش می تواند با تکیه بر نیروهای پنهان و بالقوه که در پارودی (وارونه سازی) در آثار خیابانی نهفته است، مخاطب خود را با پیام های مورد نظر خود آشنا کند و نظر او را به این سو جذب کند.

جایی که نام این شبکه های ماهواره ای بر زمین بر گرد یک قاب حک شده است و هر یک از مشکلات اقتصادی، طلاق، فرهنگی و اعتبار را با شکلی وارونه از زبان این شبکه ها و محتوای تولید شده توسط آنها به مخاطب می رساند اما به واقع کار کرد درست دارد؟ آیا توانسته است به جز لبخند، تبدیل به یک سلاح فرهنگی مناسب برای مواجهه با این

نسخه جایگزین

می توانیم از همین امروز به فکر تولید نمایش هایی باشیم که در کنار مذمت یک الگوی فرهنگی غلط، آلت ناتیبو (نسخه جایگزین) یک مسئله را نیز برای ما مهیا سازد تا از رهگذر این مسیر امن بتوان جامعه و نسل های آن را به سلامت عبور داد و با خیالی آسوده به آینده نگاه کنیم.

تهاجم فرهنگی بشود؟ این ها همه سوالاتی است که شاید با پاسخگویی به آنها بتوان به راه حلی درست در زمینه تئاتر هایی بسا این کار کرد فرهنگی رسید. طراحی لباس این نمایش نیز از نکات قابل توجه آن است، جایی که کارگردان اثر با یک طراحی اغراق شده، نام شبکه های ماهواره ای را حک کرده است و به نوعی شخصیت المبیش را تکمیل کرده است و مخاطب می تواند با یک نگاه ساده به داستان نمایش برسد. حتی لباس آقای روزنامه که حجم زیادی از روزنامه بر آن کولاژ است به همراهی یک عینک و کلاه روزنامه ای که از روی آن زبان های وارد شده بر درآمدهای ارزی کشور را که حاصل ورود فرهنگ های بیگانه و غلط را می خواند، همگی به طرز خوشایند و کاربردی در ایجاد فضای القای پیام اصلی متن کار کرد دارند. مهم ترین نکته که شاید نویسنده و کارگردان نمایش زندگی «بی دیش و المبیش» به آن دقت نکرده بودن تفاوت های ماهیتی شبکه های ماهواره ای با قطعات فیزیکی الکترونیک است که سیگنال های بیگانه ماهواره ای است که اگر قرار است چیزی در محاق و قرطیبه قرار بیگرد، تنها این وسیله فیزیکی نیست و باید تمامی راه های ارتباطی شبکه ها بسته شود یا کار درستی که هرگز به آن اشاره نشد را در پیش بگیرند که آن همان کارکرد فرهنگی درست رسانه های داخلی و تولید محتوای موثر، جذاب و منطبق با الگو عرف جامعه ایرانی - اسلامی است که ای کاش به آنها پرداخته می شد تا از این مسیر بتوان با به یک جنگ رسانه ای که در حوزه جنگ های فرهنگی نرم است و بسیار مشکل تر از جنگ های فیزیکی و درگیرانه برای جامعه آسیب زا و مضر است، بیشتر آشنا شد.



گفتگو با مرتضی نجفی

ایشان کردن برای جریان تئاتر کشور

ماهان آقاجانی

نمایش «این عکس که می ماند» روایت عکاسی شیدا است به نام «پهزاد» که با دیدن یک عکس از جنگ ایران و عراق، تحصیل رشته ریاضی را در فرانسه رها می کند و به جبهه های جنگ می رود تا عکاسی کند، او شیدا است، شیدای عکاسی و شیدای نگار دختر فرامانده گردانی که او در آن حضور دارد. در ادامه با کارگردان این نمایش به گفتگو نشستیم تا از چند و چون اجرای این نمایش بیشتر آگاه شویم.

آقای نجفی در مورد داستان نمایش «عکسی که می ماند» برای خوانندگان بگویید.

داستان این نمایش در مورد یک عکاس است که تحصیل در اروپا را رها می کند و به جنگ ایران - عراق می آید و در این میان اتفاقات عجیبی برای او می افتد.

نظر تان در خصوص چارچوب های جشنواره سوره ماه چیست؟

ویژگی بارز جشنواره سوره ماه این است که به شخصه این جشنواره را ویژه متون دینی و دفاع مقدس نمی دانم، بلکه یک جشنواره است که اصول اعتقادی خود را دارد و تکلیف اش با هنرمند و مخاطبش روشن است و هنرمند باید بداند که چارچوب ها چیست و اگر دوست ندارد شرکت نکند. زمانی که می خواهید وارد یک بازی شوی

باید بدانند که قواعد بازی این گونه است.

نظر تان درباره روند جشنواره و نگاه آن چیست؟

روند این سال ها، روند درستی بوده و این در نگاهی که جشنواره به تئاتر شهرستان ها دارد قابل تقدیر و دفاع است. در جشنواره های دیگر این نگاه وجود ندارد. تمام این نگاه از تمرین تاجشنواره وجود دارد و از سمت مسئولان و هنرمندان نیز دنبال دارد.

سطح کیفی آثار را چگونه می بینید؟

متأسفانه به علت همزمانی با جشنواره استانی اولین کار است که می بینم، دوستان از نمایش هادین کرده اند و کارها خوب بوده است و تفاوت هایی در جنس کارگردانی و قدرت اجرای آثار داشته اند و در این روند کارگردان ها در حال فکر کردن است.

امکانات جشنواره را چگونه می بینید؟

هرگاه در جشنواره های دیگر شرکت داشته ایم، امکانات و سالن خوبی وجود نداشته است اما در این جشنواره امکانات و سالن های تجهیز شده دست کارگردان را برای ارائه هر چه بهتر اثرش باز می گذارد. در این وضع نابسامان تئاتر کشور و کمبود بودجه، این جشنواره عملکرد خوب و ارزنده ای داشته است.

فکر می کنید وجود رقابت در جشنواره ها چه تاثیری بر هنرمندان می گذارد؟

بر کسی پوشیده نیست که رقابت برای گروه های تئاتری انگیزه می آورد، اجرای عمومی بحث مالی دارد که باید با جدیت دنبال شود اما این بحث مسوای رقابتی شدن جشنواره ها است و باید با جدیت دنبال شود تا انگیزه در تئاتر شهرستان پایدار بماند.

درباره نمایش «سر خورده»

سر خورده از گذشته و آینده

میلا رفافتی

نمایش «سر خورده» از استان بوشهر، نمایشی است که کارگردان آن میل آن را داشت است که یک اجرای اسطوره ای با تکیه بر یک متن که از ادبیاتی کهن بهره می گیرد، بر صحنه بیاورد. شاید بتوان نخستین نقدی که بر این اثر وارد دانست را ادبیات حاضر در متن بدانیم. مردمان این سرزمین با اسطوره و زبان اسطوره ناآشنا نیستند، شاید تنها ملتی در دنیا که می تواند آثار ۱۰۰۰ سال پیش خود از جمله شاهنامه فردوسی را بخواند، مردمان ایران زمین هستند، جایی که حتی یک نقال که سواد خواندن و نوشتن درستی هم ندارد، ولو به صورت شفاهی به نقل شاهنامه برای مردمی بی سواد می پردازد آن ها نیز درک درستی از این ادبیات دارند.

نقطه قوت فردوسی در ساده کردن کلمات است و نه در ساده انکاری در اندیشه که تقریر هزاران جلد کتاب تالیفی در خصوص آن خود گواهی بر این مدعاست. امری که در نمایش «سر خورده» به طور عکس اتفاق می افتد، اتفاقاتی ساده آن قدر کلمات پیچیده و ثقیل

گناهکار و شایسته مجازات است. در میان این روایت، ما متوجه می شویم که «کهزاد» شخصیتی گنه پیشه است و اینک باید مجازات گردد گناهی که برای او بر شمرده می شود، قصد از دواج با ماهتاج، دختر یکی از بزرگان به قصد تولد فرزند، زیرا زن او صاحب فرزند نمی شده است. کشتن طوفان معشوق و خواستگار ماهتاج و ظلم به روستاییان و نظر فاسد به زن امیر محمد آهنگر از جمله این گناهان است، که مردمان برای ستاندن حق خود و عقوبت کهزاد، او و زانش را به نزد پیر فرزانه آورده اند تا او قضاوت کند. ناپینایی پیر فرزانه و تاکید او بر این که بیگناهی کهزاد تنها با اتفاق خسوف و رفع خسوف است که ثابت می شود. پیر فرزانه که نماد چشمان کور عدالت است و جاری شدن عدالت را که همواره با خردورزی و عقلانیت همراه است با یک امر خرافی سنجش می کند، جزء نکات مثبت این اثر است، فارغ از این که گاه مونولوگ ها او و گاه دیالوگ هایش با کهزاد بیهوده بود و تنها باعث دلزدگی مخاطب می شد.

کارگردان این اثر می توانست در طراحی صحنه این نمایش کمی دقت به خرج دهد و این دقت را مبدول انتخاب مواد و مصالح مصرفی در صحنه کند تا پارچه های جنس گونی خود را نمایان نکنند.

برای مخاطب روایت می شود که روند اثر به به یک سوم میانی خود نرسیده، تعدادی تالار را ترک می کنند. انتخاب زبان در یک متن، انتخابی است که به اجرا، بیان و دیالوگ نیز تسری می کند و نقطه مورد نقد دقیقاً همین جا است که زبان اسطوره ای با زبان پیچیده و ناتوان دچار افتراق است، که ناتوانی این متن از پیچیدگی بیهوده و انتخاب کلمات سنگین از منظر معنا شناختی حاصل می گردد. کارگردان این اثر در کنار همین پیچیدگی با به روی صحنه آوردن بازیگرانی که بخش هایی از نمایش را به صورت هم آوایی اجرا می کنند بر این پیچیدگی می افزاید و گره کور این نمایش را کور تر می کند، در بست در جایی که بازیگران، به هر دلیل عمدتاً با خرد از نیمه نمایش دیگر در یک تناژ صدایی نمی توانند با یکدیگر هم آوایی کنند و صدای بازیگران گاه به علت گرفتگی صدا خارج از استاندارد شنوایی به مخاطب منتقل می شود. حرکات طراحی شده اثر گاه به جای باز کردن گره روایتی نمایش و آشنایی مخاطب با قصه اصلی نمایش، تنها به یک دسته حرکات صرفاً فرم تبدیل می شوند.

این نمایش قصد دارد قصه مردی را به تصویر بکشد که به ظن افراد حاضر او و زانش گناهکارند و باید عقوبت شوند، حتی کودک آن ها نیز که هنوز در زهدان مادر است نیز

اتفاق طراحی صحنه در لباس نیز اتفاق می افتاد، فارغ از انتخاب خوب لباس «کمند» همسر کهزاد، لباس خود کهزاد کمی آزار دهنده بود، ترکیبی از یک لباس قرمز با یک شال چند رنگ که حاشیه های آن مشخص است به همراه شلوار سیاهی که یکی از دلنگه آن بالا رفته است، مخاطب را بیشتر به یاد هفته های مد می انداخت تا نمایشی اسطوره ای در جشنواره تئاتر سوره ماه! نکاتی از این دست، همگی دست به دست هم داده اند تا «سر خورده» نمایشی دور از انتظار تماشاگران حرفه ای تئاتر باشد.



همراه با جهان بخش سلطانی

زنده اندیشان به کمال می‌رسند

ابزارهای هنر و درام و ترکیب شان با فناوری روز بود که ممکن شده بود و شکل نهایی خود را در اثر یافته بود.

مضمون این نمایش را با توجه به اشاره خشکی «زاینده رود» چگونه دیدید؟

مضمون این نمایش بسیار قابل ستایش بود. کارگردان این اثر به لحاظ خمیرمایه اثر، از زاینده رود بهره گرفته است. زیرا این رود یادآور هنر هنرمندان اصفهان است و تمامی این بزرگان در این رود وضو گرفته‌اند. در آب این زاینده رود همه چیز آبی را آبی، عاشقانه و زیبا می‌دیدند. شهید با آب زاینده رود محرم شده است.

شما ایثار و شهادت و رابطه آن با جامعه را چگونه می‌بینید؟

در این اثر ایثار ۸ سال دفاع مقدس را دیدیم که عشق را به چالش و ستایش کشیده بود و به ما می‌گوید که در این آب

جهانبخش سلطانی، بازیگر و نویسنده با سابقه تئاتر، تلویزیون و سینمای کشور است که مردم بازی‌های درخشان او را در «قصه‌های مجید»، فیلم‌های سینمایی دفاع مقدس و نقش کارآگاهی با لهجه شیرین اصفهانی در مجموعه «کارآگاه» به یاد دارند. با او پس از تماشای نمایش «رود زنده می‌زاید»، گپی زده ایم که در ادامه می‌خوانید.

آقای سلطانی نظر تان در خصوص اجرای نمایش «رود زنده می‌زاید» چیست؟

همانطور که خودتان هم شاهد بودید این اثر نمایشی تمامی تلاش خود را به کار بسته بود تا بتواند جلوه‌ای از ایثار و شهادت را به شکلی زیبا و خیرکننده به معرض دید مخاطبان خود بگذارد. کارگردان این نمایش در شیوه اجرا تمام سعی و کوشش خود را به خرج داده بود تا اجرایی مدرن داشته باشد و این تلاش‌ها با بهره‌گیری از

زاینده رود است که در نهایت عاقب به خیر می‌شوی. اگر بخواهید فلسفه این نمایش را تفسیر کنید، چه می‌گویید؟

زندگی زیباست ای زیبا پسند / زنده اندیشان به زیبا می‌رسند / آنقدر زیباست این بازگشت / کز برایش می‌توان از جان گذشت. این شعر تمامی فلسفه وجودی انسان و این اثر نمایشی است که ما شاهد آن بودیم.

اهمیت موضوع خانواده در جامعه امروز چیست و چرا در مورد این موضوع در جامعه بحث می‌شود؟

گاهی این گونه تبلیغ می‌شود آن‌هایی که به جبهه می‌رفته‌اند خانواده هایشان زندگی را دوست نداشتند؛ این در حالی است که به هیچ وجه این گونه نبوده است. آن‌ها تمامی این‌ها را دوست داشتند و برای آن که آن‌ها بمانند و اینک مفاهیم زیباتری را بسازند، می‌رفتند. بر گشت به جوهر و ذات در خانواده، روش اهل دل و معرفت است. در همین نمایش کارگردان اثر همه‌اندوه خانواده‌ها را به عاقبت به خیری و نجات آن‌ها گره زده است. درباره این نمایش باید گفت «آنچه که هست نه، آنچه که باید باشد». این نمایش یک رئالیسم متعالی است، رئالیسمی که به جامعه جهت و سو می‌دهد و آن را هدایت می‌کند تا مسیر درست را بیابد.

نظر تان درباره طراحی بخش تجربه های جوان چیست؟

اختصاص دادن یک بخش ویژه به جوانان در یک جشنواره ارزشمند مانند جشنواره سوره ماه این امکان را به جوانان می‌دهد تا بتوانند با افراد هم سطح خود رقابت کنند، این اقدام بسیار خوبی است که می‌تواند یک محیط سالم برای تلاش را ایجاد کند و در سال‌های آینده باعث حضور کارگردان‌های حرفه‌ای در جریان تئاتر کشور بشود.

چگونه می‌توان این جریان به راه افتاده را ادامه داد؟

به نظر من حالا که این ایده خوب هم شکل گرفته، اگر حوزه هنری بتواند از استعدادها و سرمایه‌هایی که در این جشنواره‌ها پیدا می‌کند، محافظت و حمایت نماید، درازمدت اتفاق خوبی برای تئاتر حوزه هنری و تئاتر کشور رخ می‌دهد.

این داستان احساسی، قانونی یا اجتماعی نگاه کند. داستان این نمایش به سمت بی‌گناهی سوفیا رفته بود و می‌خواست نشان بدهد سوفیا بی‌گناه است؛ چرا که به خاطر عشقی که دارد حاضر بود از همه چیز بگذرد. این اتفاق که الهام گرفته از یک ماجرای واقعی است، تنها یکی دو بار در کشور ما رخ نداده است و به همین جهت من این کار را برای کسانی اجرا کردم که به دلیل شرایط مختلف در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند.

فکر می‌کنید سواد هم‌چون قهرمان نمایش شما در جامعه وجود دارد؟

در جامعه ما و در شرایطی که هستیم، در این نمایش غیرواقعی حرف زده ایم و حرف‌های سوفیا باورپذیر و قابل لمس است. ما سوفیاهای زیادی داریم و به همین دلیل است که تماشاچی این کار را حس کرده و با آن هم‌زاد پنداری می‌کند.

گفتگو با زمان ارکمان

از عشق زمینی به عشق آسمانی

زمان ارکمان، جزو کارگردان‌های جوان بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه است که با نمایش «سوفیای من» در بخش تجربه‌های جوان این جشنواره حضور دارد. گفتگوی زیر را با وی در خصوص نمایش اش و حضور در جشنواره سوره ماه ترتیب داده ایم.

آقای ارکمان به عنوان کارگردان نمایش «سوفیای من» فکر می‌کنید مفهوم اصلی این نمایش چیست؟

سوفیا قرار است پایداری عشق و ایستادن پای عشق را نشان دهد؛ همان طور که شخصیت اصلی این داستان یعنی سوفیا از عشق زمینی به عشق خدایی رسید.

بازیگران شما به خوبی نقش هایشان را بر روی صحنه ایفا کردند، آن‌ها بازیگران حرفه‌ای تئاتر هستند؟

بازیگرهایی که در این نمایش ایفای نقش می‌کنند، این کار جزو اولین تجربه‌های تئاتری آن‌ها محسوب می‌شود و خوشحالم که می‌بینم مورد استقبال تماشاگران واقع شده است.

در خصوص مضمون این اثر برای مخاطبان توضیح بفرمایید؟

در کنار موضوع عشق، بحث قضاوت شدن انسان‌ها هم در این کار مد نظر بوده است و این را به خود مخاطب واگذار می‌کنیم که به

گفتگو با کارگردان نمایش «آوازهای سرشام»

سه دهه بر سر یک سفره!

نمایش «آوازهای سرشام» به نویسندگی و کارگردانی کاوه مهدوی، که در بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه حضور دارد، در مورد یک سفره شام در سه دهه و تغییرات رفتاری پیرامون آن است. با کارگردان این اثر نمایشی به گفتگو نشستیم.

جناب مهدوی لطفاً درباره داستان نمایش خود برای ما بگویید.

داستان این نمایش در مورد یک سفره شام است که در سه دهه مختلف روایت می‌شود و مادر گذر این نمایش و این سه دهه تغییر رفتار آدم‌ها را در قالب «شام» که تنها وعده‌ای است که کل خانواده در آن حضور دارند را به مشاهده می‌کنیم.

سطح کیفی آثار جشنواره را چگونه

کردن‌ها است که جشنواره تئاتر سوره ماه می‌تواند به یک شکل نهایی و مناسب خود برسد.

آیا برگزاری جشنواره را برای روند تئاتر مثبت ارزیابی می‌کنید؟

برگزاری جشنواره برای جریان تئاتر بسیار مفید است، زیرا اگر غیر از این باشد دیگر چیزی برای بحث و صحبت کردن در تئاتر نیست، اگر همین رقابت‌ها و جشنواره‌ها نباشد، حتی خودتئاتری‌ها، رسانه‌ها، من و شما با هم ارتباط نمی‌گرفتیم و این گونه تئاتر فراموش می‌شد و مردم فکر می‌کردند تئاتر تعطیل شده است و این گونه صدمات جدی به تئاتر می‌خورد.

نظر شما در مورد موضوعات جشنواره به خصوص دفاع مقدس، دین و خانواده که محورهای اصلی جشنواره بودن چیست؟

همین سه موضوعی که شما به آن‌ها اشاره کردید خود در برگیرنده ۲۰۰ زیر شاخه است و گاهی شاهد آن هستیم مدیران فکر می‌کنند فقط باید در خصوص یک مقوله خاص بحث و تولید اثر شود که این به هیچ وجه مناسب هنر تئاتر نیست. به شخصه خودم درغده‌های

مذهبی دارم که با استفاده از تکنیک‌های مناسب، آثاری را تولید کرده‌ام که نمی‌خواسته حرف‌های بزرگ و خاصی بزنند و نه شعار داده است بلکه آرام آرام و در یک لایه‌های زیرین تر مفهوم خود را به مخاطب رسانده است.

پس با این تعریف شما باید بگوییم که بهتر است آثار نمایشی با مضمون‌های یاد شده، مراقب باشند که به ورطه شعار زدگی و سطحی‌نگری نیفتند، درست است؟

بله؛ دقیقاً همین طور است، مادر دانشگاه از اساتید بزرگ خود آموخته ایم که اگر قرار است نکته یا مفهومی را به مخاطب خود برسانیم باید در قالب تئاتر باشد و این قالب تئاتر خود تکنیک‌های خاصی دارد که نمی‌توان به سادگی آنها را نادیده گرفت. اگر قرار است برای یک جشنواره موضوعی مثلاً دفاع مقدس اثری را تولید کنیم اگر بخواهیم مستقیم و درباره جنگ سخن بگوییم در همان نقطه اول به خطا رفته ایم و این نکته باید همیشه راهگشا باشد از سطحی فکر کردن و شعار پرهیز کنیم در غیر این صورت جشنواره هافت می‌کنند و این نخست به ضرر تئاتری‌ها تمام می‌شود.



عکاس: علی حدادی اصل، محسن سیدی
 مرتضی رحمانی فرزاد
 نشانی: خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ حوزه
 هنری سازمان تبلیغات اسلامی

همکاران: امید حسین دوست
 حنیف سلطانی، علی مهدوی، رسول فاتحی
 علی پورموسی، بهناز شیربانی و...
 امور هنری و گرافیک: داود پیشکار

نشریه روزانه جشنواره تئاتر سوره ماه
 صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
 سردبیر: فرنگیس یعقوبی
 دبیر تحریریه: محمد حسین سلیمی

بیست و ششمین جشنواره تئاتر سوره

تماشاخانه

